

قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

مادی بهراد

ترو ریم چگونه سرکوب

و چگونه پروار می شود

نکته ها را به سوی جمهوری اسلامی جرحه دادند و چه دیر؟ و چرا اینقدر دیر؟

آیا آنچه آمد - بروز زیر عنوان "نواهد و امارات" - برض آدمکان خمینی در اس حوادث برخون مطرح می شود چنان بیحد و مصمم است که به اس حد کنگا و وگا و ونا - خرسا ردا ستا است؟ آیا می توان یذیرفا کد دستا ده های امنیتی غرب آفدری دست و پا و مصعب و نا آگا هند که در ترمز میان سا و وسعد در مانده اند؟

سلما " اینطور است - اگر کوئیم به نحو ملق ولی در حدی که با رجا ره جونی بیاید، از زیروم حوادث با حرد، خاصه که دخالت جمهوری اسلامی در این جنایات از آغاز تا استیانه فقط به دلایل عینی که حتی به اعرار مکرر عوامل و آدمکان رژیم مسلم بوده است و سب.

بقیه در صفحه ۲

جنگ در بلوچستان

عنا صرملی از بلوچستان گزارش می دهند که در چند روز گذشته نبرد ممالفان رژیم با ساداران شدت گرفته است.

در این درگیریها، دهها پاسدار به قتل رسیده اند. " محمد بلوچ " رهبر گروهی از شورشیان بلوچ ناحیه بی را تصرف کرده پاسداران و ما موران رژیم را از منطقه بیرون رانده است. نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به شدت غافلگیر شده اند و تسلط خود را بیخشی از منطقه از دست داده اند. وسایل ارتباط جمعی رژیم نیز از انتشار اخبار مربوط به بلوچستان خودداری می ورزند.

گزارش های قبلی حاکی از آن بود که روز هفده شهریور ماه سال جاری پاسگاه " سفیدک " در نزدیکی میرجا و از طرف عشا یر منطقه مورد حمله قرار گرفته است. نیروهای جمهوری اسلامی با یکم خودروی حامل نفقات مسلح کمیته ها روز شنبه ۲۲ شهریور به " قلعه " واقع در ۱۴۵ کیلومتری جنوب غربی زاهدان که محل استقرار بخشی از نیروهای عشا یری است حمله کرده منطقه را به محاصره خود در آوردند.

بقیه در صفحه ۱۱

هوشنگ وزیری

جنگ، مهمترین دفتر مشق

سید کاظم اکرمی، وزیر آموزش و پرورش رژیم تهران، در آستانه سال تحصیلی جدید، اولویت آموزشی را معین کرده است. گفته است که جنگ مهمترین دفتر مشق است. امسال نیز مانند هفت سال گذشته، دانش آموزان را نه برای زندگی کسبه برای مرگ آماده می کنند. اگر دفتر و کتاب و معلم و مدرسه برای دانش آموزان نیست در عوض جبهه جنگ هست. برای هلاکت در جنگی که مانند خوره به نیروی انسانی و منابع ثروت کشور ما افتاده است، نیازی به درس خواندن و جسد ندارد. جوانان هر چه نمانند، مغز شویی آن ها آسان تر.

هرودوت، مورخ نامدار یونانی، می گوید که هیچ انسان ما حیدلی نمی تواند جنگ را بر صلح ترجیح دهد، زیرا در صلح، فرزندان پدران خود را به خاک می سپارند، و در جنگ، پدران فرزندان خود را در گور می بینند.

هرودوت اگر امروز زنده بود و جنگ هفت ساله خونین میان دو کشور همکیش را همچو او می دید چه می گفت؟ پدران نه تنها فرصت آن ندا رند که فرزندان خود را به خاک بسیارند، حتی جرات نمی کنند در غم عزیزان از دست رفته خود اشکی نیز بیفتانند. گریه کردن فقط در خلوت خانه و دور از چشم خبرچینان رژیم، باعث درد سر نخواهد شد.

نظام آموزشی رسالت خود را تنها در این می بیند که برای این ماشین دوزخ کشتار، سوخت فراهم آورد.

بقیه در صفحه ۳

مأمور خرید اسلحه ی جمهوری اسلامی در لندن

در همین زمینه هفته نامه انگلیسی ساندی تایمز در آن زمان نوشت: بقیه در صفحه ۱۱

اوقات تلخی جمهوری اسلامی

روزنامه " لیبراسیون " ضمن بررسی این موضوع که چرا فرانسه هدف حملات تروریستی واقع شده است، می نویسد: دولت شیراک، به محض بر سر کار آمدن، تصمیم خود را مبنی بر عادی سازی روابط با جمهوری اسلامی اعلام کرد و در اجرای این هدف مجاهدین خلق را مجبور کرد. فرانسه را ترک کنند و با این اقدام اولین تقاضای جمهوری اسلامی برآورده ساخت. دوشو در دیگر عیارت بودند از پرداخت وام یک میلیارد دلار و قطع فروش اسلحه به عراق.

بقیه در صفحه ۸

نام و نشانی ۲۰ تروریست

رژیم لیبی، سوریه و جمهوری اسلامی، و همچنین حمل و نقل اسلحه با استفاده از جمدان های دیپلما تیک است. به گفته منابع آگاه، بمب گذاری های اخیر پاریس، توسط حزب اللهی هایی انجام شده که از لبنان به فرانسه رفته بودند، و عنوان ارتش انقلابی لبنان، سرپوشی بر این مسئله بوده است. زورنال دودیمانش در پاریس می نویسد: در ارتباط با مسئله تروریسم، شیون پرز نخست وزیر اسرائیل، تا دو هفته دیگر به پاریس سفر خواهد کرد.

نشریه زورنال دودیمانش در شماره اخیر خود (۲۱ سپتامبر) زیر عنوان " اسرائیل نام و نشان بیست تروریست " را در اختیار پاریس قرار داده است. می نویسد: پس از موج بمب گذاری های اخیر در پاریس، همگاری های فرانسه و اسرائیل در زمینه های اطلاعاتی گسترش یافته است. این همکاری شامل تبادل اطلاعات در مورد رفت و آمد اشخاص مظنون به همکاری با گروه های تروریستی، تماس های آنان با سفارت خانه های سه

بهب گزاری ها:

نتایج سیاست فرانسه

در صفحه ۱۱

تروریسم چگونه سرکوب و چگونه پروار می شود

بقیه از صفحه ۱

جها داسلامی در لبنان پشت به چه نیروئی دارد؟ حزب اللهی های دره بقساع و بعلبک، از چه خزانه ای سلاح و پول می گیرند؟ سید حسین موسوی رهبر انشعاب بیون امل که آشکارا می گویند " اسرائیل و فرانسه و آمریکا " هدف های اصلی ما هستند، از کجا تغذیه می شود؟ سوریه و لیبی (بی آنکه بتوان نقش آن ها را در تروریسم بین المللی انکار کرد) خاصه در مناسبات خود با فرانسوی ها چه معضل لاینحلی داشته اند و دارند؟ هم اکنون در لبنان، این چه گروهی است که شب و روز بر سر زبان فرانسوی (کلاه آبی ها) آتش می بارد؟ در حالیکه هم در سوریه و هم جناح اصلی گروه امل " به رهبری نسیمیری " با حضور آن ها در لبنان آشکارا موافقت کرده اند؟ درخواست آزادی دسته " انبیس نقاش " که سوء قصد به جان شاپور بختیار رهبر نهضت مقاومت ملی ایران را به عهده داشت و یک بلیس جوان را برای ابد فلیج و خانه نشین ساخت و دیگری را همراه با زن خانه داری به خاک و خون کشید، تاکنون از سوی چه " دولتی " آشکارا عنوان و پشتیبانی شده است؟ گروه گان های فرانسوی در اسارت چه دست هایی بر سر می برند و این دست ها از کجا نان می رسد؟ اصولا " فرانسه در قلمرو مسائل سیاسی و اقتصادی و " جنگ " از جمع سه رژیم سوریه و لیبی و جمهوری اسلامی با کدا میک درگیری و چون و چرا داشته است؟ سه تروریست با ابزارهای پیچیده ی خرابکاری و هرسه از توابع جمهوری اسلامی، در ترکیه بدام می افتند که قصد ورود به قبرس را داشته اند و پیدا است که قبرس منزل آخر آن ها نیست بلکه فقط سرپلی است برای رسیدن به هدف های در قلب اروپا و با احتمال زیاد فرانسه - آیا همین خود قابل تاء مل و شعقیب نیست؟ دست کم نمی تواند کلیدی برای تحقیق و کشف رابطه با بمب اندازیه های اخیر در محلات یا ریس تلقی شود؟ بی شک اگر پاره ای " ملاحظات " در میان نبود، نتیجه ای که امروز آن هم آمیخته به انواع ایهام و ابهام بدست آمده و چشم ها را به سوی جمهوری اسلامی گردانده است، مدت ها و سال ها پیش بدست آمده بود.

شگفت انگیز است، کشورهایی که حالابه هدف اول تروریسم مبدل شده اند، تجربه ی برعبرستی نیز با خود دارند که ظاهرا " در پیچ و تاب مصالح کسور اقتصادی و جاذبه های بازاری فراموش کرده اند. آن ها با یک بازخوانی سریع در چند و چون حوادثی که از سال ۱۹۳۳ (ظهورنا زیم در آلمان) روی داد می توانند به یاد آورند که بر ماسات

و " مغالزه " با شیطان و بر سهیل انگاری در قبال فاجعه ای که نطفه می گیرد، چه آثار رثومی مترتب خواهد بود. چه بسیار زما مداران کوتاه بین در سال ۱۹۳۳ وقتی که رایش تاک به آتش کشیده شد، تصور می کردند که با دزهر کمونیسیم در آلمان کشف شده است، غافل که به اهل از سم قاتلی جتم بسته می گذشتند که ۶ سال بعد به کام خود آن ها فروریخته شد.

اروپائی ها، جز حوادث آن سال ها از تجربه ای نزدیک تری نیز برخوردارند، با زتاب خشن امریکائی ها در مقابل ماجراجوئی های قذافی که همان موقع از جانب بعضی متحدان در هالسه ای از وحشت با انواع راهبندان مواجه شد - حالا پس از چهار ماه به عنوان یک قدم اثربخش ارزیابی می شود. دوم: سهه معتبر " مطالعات استراتژیک " نتایج بررسی های خود را در زمینه آشکار آن واقعه، تقریبا " با زبان مشترکی شرح می دهند " که از آن زمان حضور عوامل قذافی در بسیاری از جراحوئی ها کاهشی فوق العاده یافته و تروریست های تریبولی بخصوص در انتخاب هدف های امریکائی احتیاط قابل ملاحظه ای نشان داده اند.

این خود برهان قاطعی بر این واقعیت است که تروریسم به همان شتاب که در قسوت و خونریزی مرزی نابیموده باقی نمی گذارد از برای استقامت و معامله به مثل می گریزد.

سرانجام این اندیشه باید غلبه کند که " صید " تروریست ها " به تنهایی گرهی از این کلاف با زخا هدر کرد، ناگزیر باید از یکسو به سرکوب کانون ها و از سوی دیگر به شناخت علت ها قیام کرد.

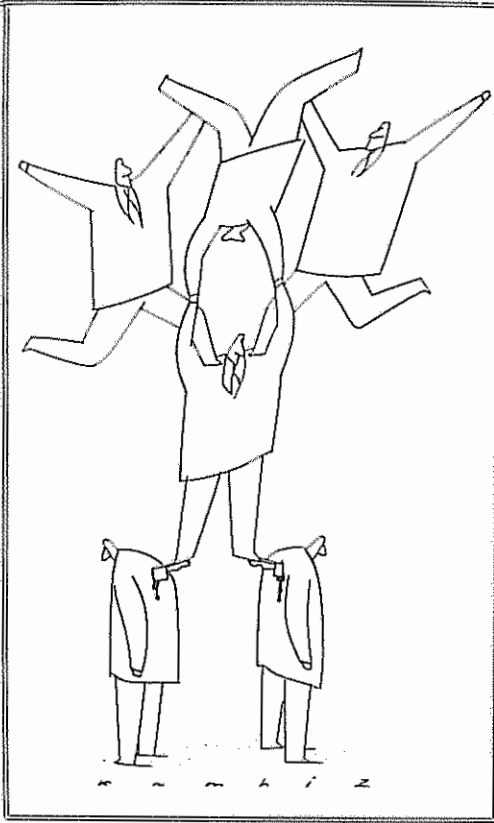
بیماری تروریسم، همچنان مرگبار و پرغوغا ادامه و حتی توسعه خواهد یافت - مگر آن که کار در میان، از ریشه یابی آغاز شود: به حکم این اصل محکم که می گوید: (اول تشخیص و آنگاه دارو). دنیا خواه ناخواه باید این روش آزموده را بپذیرد و به مقتضای آگاهی به ریشه ها، با قاطعیت به چاره جویی بنشیند.

در مقاله ی گذشته نوشتیم: " خمیرمایه ای این عارضه، ترکیب پیچیده ای است که شناخت آن به تحلیلی در حوادث قرن ها نیاز دارد، ولی از حیث اثر در یکی دو جمله خلاصه می شود:

آشفته گی با زهم بیشتر و بیشتر جها ن که زیانش با لطف عمومی است و به هر سرز بردن تلاش و تقلائی ملت ها می که از ستم صدها ساله ی تاجا و زوبهره کشی بستن آموخته اند.

با یک دید با زویی غرض، فهم این نکته آسان می شود که:

تروریسم مخلوق دست ها می است که یک زمان بر خیزش ها و خواسته های ملی راه بسته و حالا که نوبت به خود آن ها رسیده



سهل انگاری و ممانعت و " ملاحظه " را فقط به خاطر حفظ منافع با زار جانشین قاطعیت و مقابله ساخته اند.

سرکوب هر حرکت استقلال طلب و ملی، تنها بخاطر حفظ منافع و نظام های وابسته و فرما نبردا ر، جز آن چه پیش آورده است، چه ضرورتی می توانست داشت؟

این روایت دقیقی از واقعیت است که " وقتی درها بسته بود و اتاق را دود فرا گرفت، راهی سوا ی شستن پنجره و تسلیم به عاقبت نا پیدا باقی نمی ماند - چه بسا در پشت پنجره نیز هوای آزادی نتوان یافت ولی در آن لحظه ی خفگی جای تاء مل نیست - قربانی خفقان بی اراده دست و پا می زند بلکه زاین ستون تا آن ستون فرجی بیابد.

سرگذشت ظهور و غلبه ی ولایت فقیه (کانون اصلی تروریسم بین المللی)، در رهگذار علت یابی خود یک شاهد و راوی صادق و زنده است. خمینی آرمان ملتی را که هیچ جز آزادی و قانسون نمی خواست، در تنگنا ها و فضائی که با " فهم و درایت " جنگیده بود - یکسره دزدید و قلب کرد و به خدمت گرفت و حصار جهنمی را بالا برد.

تاء مل در این حکایت، آغا ز ریشه یابی است. پیامد مقابله با ارزش ها و خیزش های اصیل ملی، همینگونه - انحرافات است که به هیتلرها و خمینی ها (حالا حساب نا همگونی ها را کنار بگذاریم) فرصت رشد می دهد.

اگر اصل " تشخیص قبل از درمان " را اعتباری مانده است، ناچار باید از راه رفته با زگشت و اولین گام در گذرگاه صلاح، تسلیم به (ارزش های ملی) و نمایندگان این ارزش ها یعنی گرایش ها و جنبش های ملی و استقلال طلب است. تکراری مناسبتی نیست که " وقتی آب

را در مسیر طبیعی انسانی کند، لاسرم از منافع دیگری نیست می کند و کوهی را فرو می ریزد.

سنگر بندی در مقابل حرکت های ملی (به خاطر حفظ بیوندهای وابستگی) - راهگشائی بدو خمینی ها و تکرار حکایت شیخ دادن بدست زنگی مسدود خواهد بود، گذشته بر این واقعیت شهادت می دهد. اگر این معنا را کدبا حیر زندگی و تاریخ جوش خورده است دنیا هضم کند، آنگاه به تدریج خواهد رسد که با " زنگی مست " معانقه و معامله دیوانگی است.

عقل و تجربه می گویند، برهیز از آن ها چرا ای مرکباز، درهم کوفتن کاسون های ملهم ویرانگری است که هراسنا سازه باج بگیرند همان اندازه سرروار می شوند.

جای پای آدمکشان تا قلب فله ای حصاران همه جا هرت می گویند: " محرم را با بدشاخت تا مکافات اثر بگذارد. " گویا انتظار هست کسسه خا منهای ورفسنجانی و حتی " اما خمینی " را در حال نصب بمب بیابندنا نهادت کامل شود.

داستان جستجوی " پیداها " است، طرف خود مدزبان گواهی می دهد که راه دور برود؟ غایب سا زوکا رگردان مسم؟ پس گم شده کست و کجاست؟ در این مرحله، دا روی دره، قاطعیت است، تا فردا با برجا بندت حسرات نیز در راهند.

یک روش شناخته شده ی تروریست ها، انتخاب مواقع هر چه ضعیف تر است و معیار دقیقیتان در این انتخاب سهل انگاری و ممانعت است.

ظاهرا " اسرائیل عمده ترین بیابنده تروریست ها است ولی عجب نیست که به مقیاس قابل توجهی کمتر از آن ها که متهم به حمایت از اسرائیل بوده اند، از گزند مهاجمان آسیب دیده است.

آزادی گروه گان های امریکائی، درست در فصل انتخابات ریاست جمهوری و در بی چشم غره های ریگان، یک نمونه ی دیگر است. قذافی نیز از زمان شب نا منتظر که خا نهی خود را در زیر بمب های حریف ویران یافت. دانست که میدان ترکتازی چندان فراخ نیست.

ظاهرا " این یادها و آزمون ها با بدخل مسئله را کفایت کند و بیاموزد کسسه آدمکشان خمینی را چگونه می توان افسار بست.

در جنگ با تروریسم گذرا زده راه سه موازات هم چاره ها زخوا هدیود: برهیز از عناد با جنبش های اصیل و ملی و قاطعیت در معامله با کانون های تروریسم. هرگونه انحراف از این خط به تداوم و تقویت این عارضه ی قرن کمک خواهد کرد.



تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - کانادا
شهر تورنتو ۴۱۶/۳۶۱۳۴۵۸

منطق دوزخی بدهستان

هفته نامه فرانسوی اکسپرس در گزارشی بیرامون وضع گروهک‌های فرانسوی در لبنان و گفت و گوهای پاریس - تهران، می نویسد: دولت فرانسه نباید به خواست های جمهوری اسلامی که مشوق تروریسم بین المللی است، گردن نهد. نمی توان مدعی میسارزه یا تروریسم بود، اما با مشوقان تروریسم، گفت و شنود سیاسی به عمل آورد.

یک مقام عالی رتبه فرانسوی می گوید: در گفت و گو بر سر گروهک های فرانسوی انگریزیا دبیش بیرویم همه جا خواهند گفت که فرانسه، فروشی ست، اظهار نظر این مقام فرانسوی، حس نگرانی برخی از مسئولان فرانسوی را در باره جریسان گروهک های اسیر در لبنان بیسان می کند.

ژاک شیراک می گوید تا با رژیم خمینی که متهم است " زندانبان واقعی گروهک های فرانسوی در لبنان به همدستی حزب الله است مذاکراتی را برپا می نماید تا زه از نو آغاز کنند. به "رقص سایه" میانجی گری های نامطمئن و به تماس های بی ثمر با گروهک های گران خاتمه دهد، به مذاکرات جنبه رسمی و علنی بخشد، و آن رابه گفت و شنود یک دولت با دولت دیگر بدل سازد.

در آوریل گذشته آندره روس، مدیرکل وزارت امور خارجه فرانسه، مارک بونفو، مدیرکل بخش افریقای شمالی و خاورمیانه این وزارت خانه از پی انجام مذاکرات به تهران رفتند. سپس علیرضا معیری، معاون نخست وزیر جمهوری اسلامی به فرانسه سفر کرد و روز ۲۲ ماه مه به گفته یکی از شرکت کنندگان فرانسوی در مذاکرات " خطوط اصلی توافق پاریس - تهران در کساح نخست وزیر فرانسه، مشخص و معین شد" به گفته این مقام فرانسوی، در برابر اخراج مسعود رجوی، رهبر ساسا زمان مجاهدین خلق که در "اورسویوآز" مسکن داشت، قرار شد تهران دو گروهک فرانسوی را آزاد سازد. و این کار دقیقاً همان گونه که پیش بینی می شد، پیش رفت. یعنی روز هفتم ژوئن رجسوی " داوطلبانه" فرانسه را ترک گفت و روز ۲۱ ژوئن فیلیپ روشو وزیر آژانس، دوتن از چهار روزنامه نگار تلویزیونی کانال دو فرانسه که درست ۸ روز پیش از انتخابات پارلمانی فرانسه در ماه مارس اسیر شده بودند آزاد شدند.

اکسپرس می نویسد: پیام های رادیویی که از تهران صادر شده بود دستور آزادی گروهک ها را به لبنان می داد توسط گیرنده های آمریکا بی شنیده و ضبط شد، اما در واقع رژیم تهران از این " استراق سمع" هیچ ناراضی نبود. زهنگام استقرار ژاک شیراک در مائینون " کاخ نخست وزیر فرانسه" چه در تهران و چه در پاریس

مسئله گروهک های بی وقفه و ردزبان سخنگویان بوده است. رژیم اسلامی همه گونه تلاشی را کرده است تا نشان دهد که شیشه عمر هفت گروهک فرانسوی را که هنوز در لبنان در اسارت به سر می برند در دست دارد. اما، به گفته یک دیپلمات، هرگز در موافقت نامه ۲۲ ماهه قرار بر این نشده بود که رژیم تهران گروهک ها را یکی یکی آزاد کند. این دیپلمات پنهن نمی کند که: تهران می گوید تا فرانسه را در " منطق دوزخی بدهستان" درگیر کند.

روز ۲۹ ژوئیه در پایتخت ایران، ژان کلود تریشه، مدیر دفتر ادواری در بالادور وزیر دارایی و اقتصاد فرانسه موافقت نامه ای را در باب پس دادن یک میلیارد دلار بدهی معروف فرانسه به ایران که در زمان شاه به کنسرسیوم اورودیف واگذار شده بود، امضا کرد. به گفته بعضی دیپلمات ها، شاید با زرس مالی فرانسه به مذاکره گران ایرانی بیش از حد لزوم اعتماد کرده بود...

اکنون جمهوری اسلامی برای آزاد سازی دو گروهک دیگر، می خواهد که هژان برنارمون، وزیر امور خارجه فرانسه به تهران برود و شخصاً " ورسا" امضای خود را زیر این سند بگذارد، اما فرانسه این ژست سیاسی را به دلیل آنکسه هیچ گونه تضمینی برای آزاد سازی گروهک ها بدست نمی دهد ردمی کند.

جمهوری اسلامی در ازای چنین سخاوتی " که از خود نشان می دهد با دیگران فرانسه درخواست تحویل سلاح های پیشرفته کرده است. یک دیپلمات در جوا با این درخواست می گوید: حرفش را هم نزنید. چه به این ترتیب همه حیثیت و اعتبار ما نزد کشورهای عربی خلیج فارس از دست خواهد رفت. تازه ما خودمان بارها گوش شرکت های راکه با تهران قرارداد های غیر مجاز فروش اسلحه بسته بودند، کشیده ایم.

امتیازهای مالی جدید، تحویل اسلحه، آزادی تروریست های زندانی در فرانسه چند موضوع گفت و شنود در پایتخت است. مذاکرات فرانسه و جمهوری اسلامی گرچه با شیوه هایی جامع شمس از زمان سوسیالیست ها انجام گرفته است اما با تقاضای نامعقول جمهوری اسلامی برخورد کرده است. تقاضا هایی که اگر بر آورده شوند، دیگر چیزی از استقلال و حیثیت فرانسه باقی نمی ماند. و تازه جمهوری اسلامی هیچ تضمینی برای رها بی همه گروهک های فرانسوی نمی دهد.

اکسپرس در پایان می نویسد: بعضی از مقامات دولتی عالی رتبه فرانسه معتقدند که اکنون هنگام آن است که سیاست خود را مورد بازبینی بی رحمانه قرار دهیم. بنظریکی از آنها: باید پذیریم که مسئله آزادی گروهک ها

جنگ، مهمتر از دفتر مشق

بقیه از صفحه ۱

در هیچ جای جهان در هیچ زمانی دیده نشده است که صنعت چاپ، این دستاورد تمدن امروزی، با چنین گستاخی ای در خدمت ترویج نادانی و خرافه پرستی قرار گیرد. این کار، با نظام آموزشی ای که از قدیم برای ما مانده است، امکان پذیر نمی شد. از اینرو آموزش و پرورش، در کنار دادگستری، از نخستین ریشه های بود که تیشه انقلاب اسلامی بر آن نهاده شد. تصادفی نبود که محمد علی رجائی، کفیل وزارت آموزش و پرورش رژیم، بعداً " توانست به نخست وزیر و سپس ریاست جمهوری برسد.

تکه پاره کردن دارالفنون به عنوان نخستین واحد آموزشی مدرن ایران، در برنا مه تخریب آموزش و پرورش، فقط جنبه نما دین نداشت. ملاحظه آموزش و پرورش را مانده دادگستری، قلمرو انحصاری خود می دانستند. دارالفنون نمی بايست خاطر تاریخی استقلال آموزش و پرورش را از انحصار طلبی آخوندی زنده نگاه دارد.

ملاحظه پس از انقلاب و به قدرت رسیدن رژیم رجائی، دوباره آهنگ آن کردند که قلمرو زدست داده را به تسخیر در آورند. ولی آموزش و پرورش که آنان در برابر خود یافتند، دیگر به هیچ روی، آن نبود که از انحصار آنان بیسرون آمده بود. میلیون ها دانش آموز و دهها هزار آموزگار رود بیروا ستاد، چهره ای به آموزش و پرورش ایران داده بود که اصلاً برای مدعیان قدرت انحصاری، شناخته نبود.

پس " با کسای" در آموزش و پرورش آغاز شد. در طول انقلاب، اگر موسسه های آموزش عالی را کنار بگذاریم، ۲۵ هزار آموزگار زکا ربرکنار رشدند تا یک مشت مردم افسون زده و بیگانه نه به امر آموزش مدرن بتوانند جای آنان را بگیرند. حتی روزنامه های صادر شده رژیم نیز از افت آسکار سطح آموزش، از ابتدائی گرفته تا دانشگاه، شکایت سردا ده اند.

اما افت فقط در کیفیت نیست، از حیث کمی نیز شا هدیست رفت حیرت آوری هستیم. آمار می گوید که در سخنرانی پیش از دستور برخی نمایندگان همین مجلس شورای اسلامی آمده است، حکایت آن در ده سال تحصیلی گذشته یک میلیون و نیم کودک ۶ تا ۱۰ ساله ایرانی نتوانستند به مدرسه راه یابند.

کلاس نیست. کتاب نیست. معلم نیست. بودجه نیست. تنها چیزی که هست، خیل شاگردان به سال تحصیلی رسیده ای است که به مدارس راه نخواهند یافت. در همان آمار وارقام آمده است که آموزش و پرورش ۲۵ هزار کلاس و ۴۰ هزار معلم کسب دارد. و در این شرایط کمبود است که حکومت مجبور شده است به مدرسه های خصوصی و پولی دوباره اجازه فعالیت دهد.

قانون اساسی جمهوری می گوید که آموزش از ابتدائی تا پایان دوره متوسطه باید رایگان باشد. ولی مدیرکل آموزش و پرورش تهران به پدران و مادرانی که می خواهند نام فرزندانشان را در مدرسه ها بنویسند، توصیه کرده است که حداقل ۵۰۰ ریال به عنوان " کمک" به مدرسه ها بدهند.

در حالی که مدیرکل آموزش و پرورش حاد قلی برای نام نویسی معین کرده است، دست دارندگان مدارس خصوصی را در گرفتن حاد اکثر با زکذا شته است. فعلاً آنان به گرفتن ۱۰ تا ۲۰ هزار ریال به عنوان " حق نام نویسی" اکتفا کرده اند. تا بعد چه پیش آید.

مسئله مخالفت با موافقت ما با احداث مدارس خصوصی و پولی نیست. این راه هر کشوری با بدمطابق نیازها و مکان های آموزشی خود معین کند. مسئله در این است که جمهوری اسلامی قدر به اصول مندرج در قانون اساسی خودش بی اعتنا است.

با ثین بودن سطح آموزش در مدرسه های که دولت همه چیز آن ها را تعیین می کند، حتی از نگاه یک وکیل مجلس شورای اسلامی دورنمانده است. وی می گوید: " من خودم در مدرسه خصوصی درس خوانده ام. اختلاف بین مدارس دولتی و خصوصی را خوب می دانم. سال ها نیز با بقیه تدریس دارم. از همین حالا دارم پس انداز می کنم تا بتوانم دو فرزند خود را به مدارس خصوصی بفرستم." در سرزمینی که چهار میلیون بیگانه را دارد، در حالی که اکثریت بزرگ کارگران و کارمندان فقط با رای آن درنده حاد اقل نیازهای روزانه خود را تأمین کنند، چند درصد مردم می توانند هزینه آموزش آینده فرزندانشان را بپردازند؟ چند درصد مردم می توانند هزینه آموزش و پرورش که می گوید: جنگ بر دفتر مشق اولویت دارد، می توان توقع داشت برای کمبودی به میزان ۴۰ هزار معلم و ۲۵ هزار کلاس کاری بکنند؟

حکومت اسلامی و

تجزیه طلبان ترک

روزنامه جمهوری چاپ ترکیه، ضمن اشاره به حضور سید علی خامنه ای رئیس جمهوری حکومت اسلامی، در کنفرانس غیر متعهدانه در حراره و چاپ عکسی از دیدار وی با معمر قذافی، به نقل از مجله انگلیسی " دفاع" نوشت: رژیم خمینی از تجزیه طلبان ترکیه پشتیبانی می کند. خمینی از وجود دموکراسی در ترکیه و همچنین عضویت این کشور در پیمان ناتو به شدت ناراضی است. جمهوری می افزاید: شکی نیست که جمهوری اسلامی قصد دارد تروریست ها و تجزیه طلبان را که موجب تضعیف سیاست داخلی ترکیه می شسوند، مورد حمایت قرار دهد.

به نوشته جمهوری " ترکیه در راه دموکراسی گام برمی دارد و به هیچ وجه به طرفداران انقلاب اسلامی مجال نخواهد داد که علیه نظام اجتماعی این کشور فعالیت کنند."

در اقدامات سیاسی ما هدف درجه دوم باشد نه درجه اول. باید به افشاکری دولت های دست اندرکار رگروگان گیری و نیز به بر ملا کردن واقعیت رفتار رنگینی که با گروهک ها می شود بپردازیم، باید افکار عمومی را برای دورنمایی ناخوشایندتر آماده کنیم. که شاید به عکس، به این وسیله بتوانیم شانس کوچکی برای باز یافتن هموطنان اسیرمان بدست آوریم. بعضی از خویشان و نزدیکان رگروگان ها نیز خود به این نتیجه رسیده اند.

به علاوه دولت فرانسه مشکل بتواند مدعی جنگ با تروریست ها باشد، اما در برابر کسانی که تروریسم را تشویق می کنند، تسلیم شود

اکسپرس - ۱۸ سپتامبر ۸۶

تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - لندن

شماره ۲۲۱۰۶۶۸

دوگفتار از رادیو ایران

تازیان‌های رژیم اسلامی

تاکنون هنوز کسی نتوانسته است به این سؤال جواب درستی بدهد که رژیم حاکم بر ایران امروز از کدام نوع است. بنده عبارت دیگر آیا الگوئی که در قانـون اساسی مصوب مجلس خبرگان پیش بینی شده، توانسته است تحقق نیز بیابد؟ رژیم امروز حاکم بر ایران نامعمولاً "نظام استوار بر ولایت فقیه" می خوانند. ولی ولایت فقیه، آن گونه که در ایران اعمال می شود، در قانـون اساسی جمهوری اسلامی نیامده است، و آن گونه که در قانون اساسی آن آمده است، در ایران اعمال نمی شود. همه جا شکاف میان قانـون اساسی و واقعیت رژیم دهـهان گشوده است. در از دست رفتن مشروعیت رژیم اگر هیچ نشانه دیگری هم وجود نداشت، همین یکی کافی بود. حقیقت این است که در هر قانـون اساسی عمدتاً "دوگانه هدف وجود دارد: یکی هدف‌هایی که از امروزه فردا قابل دستیابی است، و دیگری هدف‌هایی که کما بیش زمان برمی دارد. مثالی بیاریم: اگر در قانـون اساسی بیاید که بدون حکم مقام‌های قضائی نمی‌توان وارد خانه کسی شد یا کسی را بازداشت کرد، این از امروزه فردا عملی است. اما اگر در قانـون اساسی بیاید که توسعه اقتصادی و خودبستگی از هدف‌های دولت است، این از امروزه فردا عملی نیست. زمان می خواهد. ولی به هر حال دولتی که خود را مکلف به رعایت قانـون اساسی می داند، باید در جهت حرکت کننده در قانـون اساسی پیش بینی شده است.

با این مقدمات به این مسئله می رسیم که آیا اقتصاد در جمهوری اسلامی در همان جهتی حرکت می کند که در قانـون اساسی آمده است؟ اصل ۴۴ این قانـون اساسی می گوید که "نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامهریزی منظم و صحیح استوار است." هفت سالی از تصویب این قانـون می گذرد. در این هفت سال، برنامه ریزی منظم و صحیح پیش کش، آیا اصولاً برنامه ریزی صورت گرفته است؟ به عقیده ما بهزاد دنیوی، وزیر صنایع سنگین رژیم، برای پاسخ دادن به این پرسش اگر مناسب ترین آدام نباشد، دست کم یکی از مناسب ترین است. او در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان چاپ تهران (مورخ ۱۶ شهریور) می گوید: "در این زمینه باید ملاحظاتی عرض کنم که دولت هیچ برنامه‌ای ندارد... علت این که هیچ برنامه‌ای ندارد این است که دولت از خط مشی خاصی اقتصادی پیروی نمی کند... و چگونگی اجرای اصل ۴۴ قانـون اساسی روشن نیست..."

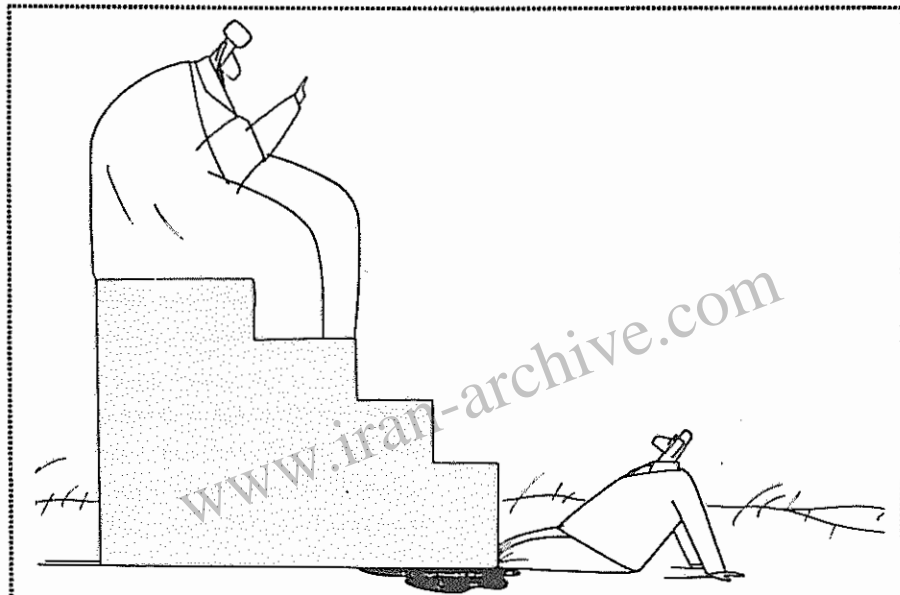
از سه بخش اقتصادی که در قانـون اساسی پیش بینی شده است، فقط بخش

خصوصی است که به شکرانه بازار سیاه هنوز جنب و جوشی نشان می دهد، زیرا در حالی که بازار سیاه را تغذیه می کند به نوبه خود بازار سیاه نیز خسرواکی می گیرد.

دو بخش دیگر اقتصاد، یعنی بخش دولتی و تعاونی، روزگاری نداشتند که بتوانند ما به حسرت بخش خصوصی باشد. بخش دوم، یعنی تعاونی، هرگز در جمهوری اسلامی پایه و اساسی پیدا نکرد و آنچه در بخش دولتی به عنوان صنایع بزرگ و صنایع مادر وجود داشت، در اثر بی کفایتی و جهالت همین دولت چنان ناتوان شده

است که اصلاً نمی تواند نقش هدایت کننده را در اقتصاد ایفا کند. با آن که هدف در جمهوری اسلامی از آغاز این بود که بخش خصوصی وزنه‌ای چنان سنگین پیدا کند که بتواند با بخش دولتی و تعاونی به رقابت بپردازد، عملاً این هدف وانهاده شده است. نه به این سبب که این بخش بر اساس وظایف تولیدی برعهده گرفته است. به هیچ وجه، بلکه بدین سبب که بخش دولتی از کارهایی که داعیه اجرای آن را داشت برکنار آید.

اگر بخش دولتی به شکرانه صادرات نفت می توانست حضور خود را بر تمام اقتصاد کشور تحمیل کند، از آن رو بود که امکان مهمی برای سرمایه‌گذاری‌های عمده در اختیارش بود. ولی جنگ، هر چه بیشتر در آمدن‌های از صادرات نفت را می بلعد، امکان سرمایه‌گذاری در جاهای دیگر مدام بیشتر کاهش پیدا



انتظار بزرگ

به میدان اعدام می برد، از شادمانی هلهله می کردند و به او دشنام می دادند. می گفتند: "مرگ بردیکتا تور، دیکتاتور سرنگون شد."

سرنگونی روبسییر حوادثی به دنبال آورد که به بر روی کار آمدن ناپلئون انجامید. از آن پس، ترمیدور در واژه نامه سیاسی به معنای پایان دوره انقلاب و آغاز زفلی تا زه آورده می شود. نه تنها در فرانسه بلکه در همه کشورهای ترمیدور را به همین معنی می گیرند. عبدالحمید خدام، معاون رئیس جمهوری سوریه، هنگامی که از یک "ترمیدور" در ایران حرف می زند، خوب می داند چه می گوید. می داند که تغییری بزرگ و بنیادی در پیش است.

آنکه خودش متوجه باشد چه می گوید، میان سال آخر رژیم شاه و سال جمهوری اسلامی شباهتی قائل شده است. البته می گوید محرم سال یا ده و محرم سال ۱۳۵۷ است و نتیجه می گیرد که امسال، روحیه محرم سال ۱۳۵۷ دوباره بیدار شده است. رئیس مجلس شورای اسلامی ادعا می کند که این روحیه را می‌توان برای دستیابی به پیروزی در جنگ به کار بست. ولی اگر چنان روحیه‌ای امسال

فضای سیاسی ایران از یک انتظار بزرگ آکنده است. شاید نتوانند به دقت تعریف کنند که محمل این انتظار بزرگ چیست، ولی همه می دانند که یک دگرگونی اساسی در پیش است. دگرگونی‌ای که به ریشه‌های رژیم برمی گردد.

عبدالحمید خدام، معاون رئیس جمهوری سوریه، از یک "ترمیدور" سخن می‌گوید. ترمیدور ماه یازدهم تقویم دوره انقلاب فرانسه است. در نهم همین ماه، در سال ۱۷۹۳، روبسییر، دیکتاتور انقلابی فرانسه بازداشت گردید و به پای گیوتین برده شد. او یک روز نیرومندترین و در عین حال محبوب‌ترین شخصیت فرانسه انقلابی بود. قضاوت‌های او، قانـون بشمار می آمد، هنگامی که برکزی خطا به می رفت، دشمنانش حتی دوستانش ریشه ترس می گرفتند.

با این همه، روزی که او را به پای گیوتین می بردند تا نماند لوثی تا نزد هم، مانده ما را، مانند دانتون و مانند صدها انقلابی و ضد انقلابی دیگر فرانسه سر بریده‌اش را به تماشاگران صحنه اعدام نشان دهند، دیگر سر ذره‌ای از آن محبوبیت پیشین وجود نداشت. به عکس، مردم کنجکا و پاریس در مسیر راه‌های که روبسییر درینند را

می کند. تعطیل کارخانه‌های دولتی یا وابسته به دولت، نشانه بارز همین ورشکستگی اقتصادی است.

دولت با اتکا به درآمد نفت و ذخیره ارزی مهمی که از رژیم گذشته برایش مانده بود، می توانست به عملیات اختناق خود مانع دادگاه‌های انقلاب مستقر در شهرداری و اتاق اصناف و غیره اجازه دهد که با زرگان بخش خصوصی را در انتظار همگان به تخته شلاق ببندند و تا زیانه بزنند. می خواست از این راه از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کند، ولی تا زیانه در اینجا کمتر از هر جای دیگری تاء شیر خود را نشان داد.

راستی هیچ متوجه شده‌اید که مدتی است در روزنامه‌های رژیم دیگر خبری از تا زیانه زدن به گرانفروشان و محترکران نیست؟ آیا گرانفروشی و احتکار از بین رفته است؟ یا حکومت اسلامی چهره‌ای ملایم و انسانی تربیدا کرده است؟ هیچ کدام.

واقعیت این است که دولت، در اثر نداشتن ذخیره ارزی و پایین آمدن قیمت نفت و نرخ برابری دلار، دیگر نمی تواند دخالتی ناشی از عدم فعالیت بخش خصوصی را برکند. بخش خصوصی هم این را خوب فهمیده است و می‌کوشد حداکثر سود ممکن را از این ناتوانی مالی دولت ببرد.

اکثریت جامعه، یعنی طبقه متوسط و پائین متوسط، رنج می برد، اقلیت دست اندرکار بازار سیاه پولدارتر می شود، دولت تا زیانه‌ها را به بیش از به میخ آویخته است. رهبر خاموش است و فقط نظاره می کند.

دوباره بیدار شده بود، رژیم خمینی اصلاً هیچ نیازی به جنگ نداشت. دستیابی به ما جراحی‌هایی چون گروگانگیری، جنگ و تروریسم، درست بدان سبب است که رژیم خمینی دیگر هیچ پایگاه استواری در جامعه ندارد و نمی تواند یک روحیه شورش را بیدار کند.

رژیم خمینی به هردری می زند تا برای آن چیز طبیعی که از دست داده است، یک جانشین ساختگی درست کند. تروریسم و ادا مه جنگ باید جای خالی مقبولیت از دست رفته را پر کند.

اما انقلاب اسلامی ایران، اگر چه از بسیاری جهات از انقلاب‌های دیگر تاریخ متمایز است، شباهت‌هایی با دیگر انقلاب‌ها نیز دارد. از جمله این شباهت‌ها اینست که نمی توان آتش آن را برای همیشه تا بان نکاه داشت. از جمله اینکه موج شیفتگی همگانی، به همان نسبت که فرومی نشیند، جای به موج سرخوردگی همگانی می سپارد. و در جریان همین فروکش کردن شعله‌های آتش انقلاب است که زمینه برای یک "ترمیدور" مهیا می گردد.

خمینی را شاید با روبسییر فقط از این حیث بتوان مقایسه کرد که او نیز مانند روبسییر سوار بر موج یک شورش همگانی به قدرت رسید. ولی روبسییر را در



ژرژ عبدالله آزاد نخواهد شد

آیا دولت فرانسه در آزادی ژرژ عبدالله تروریست لبنان که " کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه‌ای " به خاطر او درده ماه اخیر زده فقره خرابکاری در پاریس به جرم گداشته است، دچار تردید است؟

ظاهراً " با مطالعه مقالات و تفسیرهایی که اینجا و آنجا طبع می شود، این تصور پیش می آید که دولت فرانسه در آزادی ژرژ عبدالله که نیمی از محکومینست چهار سال زندان را به سر آورده است، مردمانده است. اما حقیقت این است که ژاک شیراک هرگز به آزادی این تروریست نیا نندیشیده است و بر این عزم قاطع خود یک بار دیگر روز ۱۰ سپتامبر استواری ورزیده است. قاطعیت نخست وزیر فرانسه مبتنی بر دلایل مستحکمی است.

ژرژ عبدالله در اواسط سال ۱۹۷۳ (نیروی مسلح انقلابی لبنان) خطرناکی قرار داشت و در اهمیت او این بس که تروریست های سازمانش برای آزادی وی ازبانی نشینند. در نتیجه یک مخفی گاهش در پاریس، کوچه لاکروآ، صدها بسته مواد منفجره، چاقو، تفنگ، فرستنده و گیرنده، آرمی.جی.سی ۷ و مسلسل های دستی کشف شد و مسلماً این تجهیزات همه ذخیره آن ها نبود. علاوه بر این، ژرژ عبدالله اعتراف کرد که " کمیته همبستگی با زندانیان عرب و خاورمیانه‌ای " و " نیروی مسلح انقلابی لبنان "، هر دو یک سازمانند و دوستان تروریست ژرژ عبدالله که آزاد مانده اند، پس از دستگیری رهبرشان به عملیات تروریستی و خرابکاری برای آزادی او پرداخته اند تا با فشار

ایتالیاهدف تروریست ها

کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه‌ای ایتالیا را از هرگونه اقدام خصمانه علیه ژرژ عبدالله که اکنون در فرانسه زندانیست بر حذر داشت.

این هشدار دیروز توسط فردی ناشناس که تلفنی با یک خبرنگاری خارجی در بیروت سخن می گفت داده شد. تلفن کننده ناشناس خطاب به ایتالیا گفت بسیار ساده است که ما موج خونی را که در خیابان های پاریس به راه انداخته ایم در خیابان های ایتالیا هم بسراه بیندازیم.

یادآوری می شود که ایتالیا هشتم سپتامبر جاری از فرانسه خواستار استرداد ژرژ ابراهیم عبدالله شده بود.

خبرگزاری فرانسه - ۱۷ سپتامبر

انفجارهای پاریس

رفیق دوست متهم است

رادیو فرانس انتر در برنا مه اخبار صبح امروز ۱۷ سپتامبر گفت که مقامات امنیتی فرانسه به این نتیجه رسیده اند که سوء قصد های دو هفته گذشته پاریس از حدود توانائی یک گروه تروریست خارج است و احتمالاً " دستیکسی از دولت های تروریست پروردگار است. روزنامه لیبیراسیون در این زمینسه

بر دولت فرانسه، عبدالله را نجسات دهند.

گروه ژرژ عبدالله فعالیت بین المللی دارد. در ایتالیا نیز دست به اقداماتی زد که دوتن از یاران گروه آنجا زندانی هستند، و مخصوصاً " این گروه چنان قدرتی دارد که به آسانی در لبنان یک فرانسوی را به گروگان گرفت تا این فرانسوی را با عبدالله معاوضه کند. مذاکرات مربوط به این معامله به وسیله یک دولت خارجی با دولت فرانسه انجام می شد.

برای سازمانی که اغلب اوقات بعنوان یک بنگاه کوچک خانوادگی جنسایت معرفی شده است، این عملیات مهم است، پس چون ما رئیس سازمان را بدست آوردیم، او را نگاه می داریم.

نظر دولت فرانسه عوض نشده است

تنها یک دلیل می توانست به نفع آزادی عبدالله بکار گرفته شود و آن امکان ارتباط سرنوشت او با گروگان های فرانسوی اسیر در لبنان است. این دلیل در ابتدای امر باعث شد تا دولت فرانسه موضوع آزادی عبدالله را در زای رهایی گروگانهای فرانسوی، در مذاکرات با تهران دخالت دهد. اما چنین رابطه ای وجود نداشته و مسئولان جدید سیاسی فرانسه خیلی زود پس از رسیدن به قدرت، این حقیقت را دریافتند.

ژاک شیراک از ماه ژوئیه گذشته موضوع

می نویسد: که مقامات اطلاعاتی فرانسه احتمال دخالت لیبی و سوریه را رد می کنند و به نظر می رسد یکی از گروه های رقیب، در داخل جمهوری اسلامی که مخالف عادی شدن روابط ایران و فرانسه است به تحریک رقیب دوست وزیر سپاه پاسداران پشت این سوء قصدها و بمب گذاری ها قرار دارد.

حمام خون در قلب پاریس

بر اثر انفجار یک بمب در برابر فروشگاه تاتی در خیابان رن در پاریس، در ساعت هفده و نیم روز ۱۷ سپتامبر چند تن کشته و ۵۲ تن مجروح شدند که حال پنج تن از آنها بسیار وخیم است.

در میان کشته شدگان و مجروحان، زنان و اطفال نیز وجود دارند. یکی از خبرنگاران هفته نامه "لوپوشن" که دفتر آن در نزدیکی محل حادثه قرار دارد در محل انفجار گفت: شدت انفجار بسیار رقیب بود. تمام شیشه های مغازه های اطراف خرد شد و در فضا پخش گردید. صدای فریاد زن ها و بچه ها فضا را پر کرده بود و خون همه جا دیده می شد. مجروحانی را که حالشان وخیم بود، در پیاده روی جلو مغازه تاتی روی زمین خوابانده بودند و من لحظاتی مرگ آنها را به چشم می دیدم.

یک شاهد عینی دیگر که آپارتماننش روبروی فروشگاه تاتی قرار دارد، گفت: من در خانه بودم که صدایی مثل رعد

برخاست و شیشه های ساختمان خرد شد و خرده های شیشه همه جا را بر کرد. یک لحظه احساس کردم که زیر یک بمباران هوایی قرار گرفته ام. مردم را می دیدم که سراسیمه به اطراف می دویدند. گویی از برابر یک بمباران هوایی فرار می کنند. چندین بر روی پیاده روی نوزده و ششون می کردند. یک زن را دیدم که پاهایش قطع شده و نصف صورتش از بین رفته بود. هر طرف آدم هایی با سروروی خون آلود به چشم می خوردند.

خبرگزاری فرانسه - ۱۷ سپتامبر ۸۶

سوریه دلال جمهوری اسلامی

منابع نزدیک به ژنرال "مصطفی طلاس" وزیر دفاع سوریه اعلام داشته اند که سوریه هم اکنون سرگرم مذاکراتی با مقامات بلندیایه فرانسوی برای خرید حدود ۲ میلیون دلار اسلحه از فرانسه است.

هفته نامه فرانسوی می نویسد: سوریه مایل است از فرانسه هلیکوپترهای جنگی از نوع " سوپر پوما " و تانک های آ.م. ایکس - ۱۳ به صورت نقدی خریداری کند. همین منابع به خبرنگار "لوپوشن" گفته اند که سوریه قرار است این سلاح ها را به حساب جمهوری اسلامی خریداری کند و مقصد نهایی این سلاح ها جمهوری اسلامی است و نه سوریه.

لوپوشن - ۱۵ سپتامبر ۸۶

تخفیف مجازات عبدالله را که از ۲۵ اکتبر ۸۴ در زندان است و به ۴ سال زندان محکوم شده است، با ضاوریه با مقامات قضایی رد کرد. از آن پس این موضع گیری اصلی نخست وزیر علی رغم جملات پراکنده و اظهار نظرها عوض نشده است.

علاوه بر آن، دولت فرانسه با مقامات قضایی، اگر بخواهند ژرژ عبدالله را به علت دخالت و نقش وی در قتل کلنل ری امریکایی و دیپلمات اسرائیلی - باریمانتوف (که هر دو آن ها سه سال ۱۹۸۲ به دست تروریست های "نیروی مسلح انقلابی لبنان" در پاریس - قتل رسیده اند) به محکمه جنایی بفرستند، مخالفتی ندارد. (۰۰۰)

قاطعیت دولت و محتوای پرونده امروز این فکر را به وجود آورده است که ژرژ ابراهیم عبدالله ممکن است به زودی در برابر هیأت متعنه محکمه جنایی (بعنوان متهم در قتل یک امریکایی و یک اسرائیلی) قرار گیرد. در این صورت این هیأت متعنه است که بر روی دلایل و اسناد جمع آمده به وسیله ماء موران تحقیق تصمیم خواهد گرفت. از لحاظ قضائی اما ما می توانیم تروریست ها نباید دجا را و هام شوند، زیرا در مورد این نیش نشان و کار بیجان، هیأت متعنه به طور قاطعی شت عمل نشان داده است.

لوکوئیدین دوپاری - ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۶

محموله جنگی اسرائیل برای ایران

بنا به گزارش خبرنگاری فرانسه یک ملوان دانمارکی فاش ساخت که در بهمن ماه گذشته یک محموله مهم اسلحه توسط کشتی دانمارکی " آرتیک بی " از اسرائیل وارد ایران شد.

به گفته این ملوان، که برین سورس نام دارد و خود جزو خدمه کشتی آرتیک بی بوده است، محموله مذکور در بندر اسرائیلی ایلات بارگیری گردید و دوازده روز بعد، در بندر " ریک " واقع در نزدیکی بندر عباس تحویل مقامات جمهوری اسلامی داده شد.

برین سورس همچنین اظهار داشته است که اوراق و مدارک مربوط به آن محموله که شامل مهمات و مواد منفجره بوده است تماماً جعلی و بارگیری نیز به صورت بسیار محرمانه و مشکوک انجام شده بوده است. به گفته این ملوان، مقامات ذینفع حتی اسم کشتی را برای ردگم کردن، تغییر داده بودند. خبرنگاری فرانسه بنقل از مقامات شرکت کشتیرانی " الیت " که صاحب کشتی مذکور است، می نویسد: این نوع حمل و نقل کاملاً قانونی است و به جز کشور آفریقای جنوبی، تحویل دادن اسلحه به سایر کشورها آزادی می باشد.

خبرگزاری فرانسه - ۱۷ سپتامبر ۸۶

نامه‌ها و نظرها

حاج تمام با تسمی اریا مه‌ها و بسته‌های جواسندگان کرامی فقط برای منعکس کردن نظرات و عقاید و برداشته‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و هم‌راستی ارگان مرکزی نیست. مقابله با تسمی اریا مه‌ها، آبی نوسه‌ها نیست. از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنیم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود ساداً ورنهوند تا نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به انجمن و گروه‌ها هتک حرمت شود و یا عیب و بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.



روز غم انگیز

در شماره ۱۶۵ - ۳۵ مرداد ۶۰ آقای بزرگ زاد زیر عنوان: "پرسی از آقای نوادروحانی، کدام نارفتای عمومی؟" مطالبی مرقوم داشته‌اند.

بمنده که به هر دو آقایان ارادت دارم بی مناسبت ندیدم چندسپری از مقاله‌هایی را که چندی پیش تحت عنوان شهادت به حقانیت جبهه ملی نوشته در اینجا بیاورم، اگر صلاح می‌دانید در قیام ایران چاپ کنید.

با این توضیح که بمنده در مرز ۷۰ سالگی بسرمی برم ۵۰ سال در میان مردم بوده‌ام و به افتخای شغلم هم با تحصیل کرده‌ها و هم با مردم کوچه‌و بازار در تماس بوده‌ام و آنچه در زیر این تشریفات ایران آزاد نقل می‌شود خودشان بدان بوده‌ام.

الف آواره - ۷ شهریور ۶۰
" روزی که دکتر مصدق کا بیننده خود را از جبهه ملی تشکیل داد و اعضای دولت خود را معرفی نمود چنان شوق و پیاپیکویی در تمام خیابان‌ها و خانه‌ها و خانه‌ها برپا شده بود که تا آن تاریخ هیچ عیدی و جشنی را ندیده بودم که مردم این قدر صادقانه به یکدیگر تبریک بگویند.

و همچنین من روز سقوط دولت دکتر مصدق را بسیار دیدم، در میان مردم بودم. با این که در آن وقت دولت دکتر مصدق به واسطه تحریم خرید نفت از طرف دولت انگلیس مضیق شد مالی بوجود آمده بود و بیشتر فشار هم متوجه قشر کم درآمد کشور بود و مخالفان هم تبلیغ میکردند که سقوط دکتر مصدق موجب گشایش مجسد امکانات مالی مردم خواهد شد، با این همه بهنگام اعلام سقوط کا بیننده دکتر مصدق، مردم شهر در یک عزای عمومی فرورفته بودند، و من هرگز در عمرم چنین غم و ناراحتی سراسری را ننگزدم مردم به یادند داشته‌ام."

اقتصاد مودی

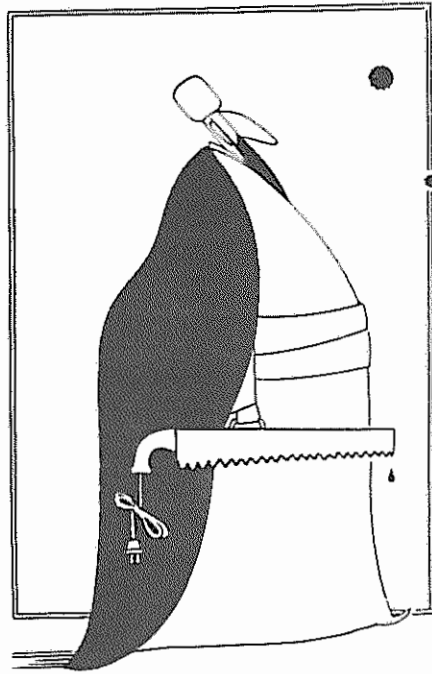
برای درک و خامت اوضاع احتیاج به تعمق و تفحص نیست. زندگی روزمره مردم منعکس کننده مستقیم وضعیت است. اقتصاد مملکت از هم پاشیده و وضع بحرانی است. در داخل دستگا دولت هم این موضوع از طریق بحث‌ها و حرفهای خود مسئولین معلوم می‌شود. بخوبی

مشخص است که همه مسئولین تازه فهمیده‌اند که ساخت اقتصاد یک مملکت با یک شخص و معلوم با شویا هرچ و مرج نمی‌توان مدیریت کرد. تضادی که از چند سال قبل حرف آن زده می‌شد و زمانی بوده‌ای‌ها به آن دامن می‌زدند، یعنی تضاد میان جناح چپ و راست در بطن دولت، الان خیلی واضح تریه چشم می‌آید. نماینده‌های مجلس و بعضی آخوندها صریحاً "به این مسئله اشاره می‌کنند. عزت‌الله سعابی هم در حرف‌هایش اشاره کرده که یک جناح می‌خواهد همه امور را بدست دولت بدهد. و جناح دیگری خواهی بندو باری اقتصادی و با آزاد را حاکم کند. شاید بحران فعلی اقتصادی این تضاد را تشدید کرده باشد چون دولت فهمیده که باید به اوضاع عظیم دهه اخیر فی الواقع نمی‌داند چه نوع نظمی و چگونه.

اما در این میان و در عمل ساخت اقتصاد مملکت چیست؟ شاید بشود اقتصاد فعلی ایران را اقتصاد دبا زاری یا اقتصاد مودی یا خیلی ساده‌تر اقتصاد دزدی نام گذاشت. بطور قطع می‌توان گفت که مملکت ایران در حال حاضر بر اساس دزدی، کلاهبرداری و شپادی می‌چرخد. این اغراق نیست. از زندگی فقیرترین قشر گرفته تا قراردادهای دولتی، همه این موضوع را بخوبی نشان می‌دهند. نوعی اقتصاد حیوانی و درنده بر مملکت حاکم شده است.

بنظر من البته این نظام اقتصادی در ایران نوعی سنت است. یعنی سالهاست که با زاریان به همین کارها اشتغال داشته‌اند. احتکار، دلالی، مال یکدیگر را خوردن و به هیچ نوع اخلاق یا قراردادهای بند نبودن، اصول این اقتصاد است. مسئله اینست که مثلاً در زمان شاه این اقتصاد مودی در همان حیره‌های بازار محاصره شد و بهر حال ایران وارد نظام اقتصادی بین‌المللی شد و به یک سلسله قراردادهای جهان‌گیر کردن گذاشت. اما در حال حاضر ایران بطور رسمی جای مشخصی در نظام جهانی اقتصاد ندارد و ساختی که در داخل مملکت حاکم است یک نظام کم‌وبیش بسته است.

شاید همین موضوع باعث شده که آن اقتصاد دبا زاری مثل موش‌های گرسنه از سوراخ آزاد شده و به بی‌معیار هر چه که در سراش هست پرداخته. از طرف دیگر چون پایه و اساس خراب است و اوضاع بحرانی، طبیعی است که میزان فساد بالایی رود و جریان کثیف آن



اقتصاد مودی را سریع ترمی کند. همانطور که گفتیم جا و مقام ایران در دنیای اقتصادی امروز مشخص نیست و شرکت ایران در نظام بین‌المللی بر اساس بنیان‌کاری و تقلب و بازاریا است. مسائل خرید و فروش نفت و اسلحه و قضا یا دیگر خود شما بهتر می‌دانید.

همین شرایط را می‌توانی به زندگی عامه مردم تعمیم بدهی. عملاً میشود گفت که امروزه زندگی هیچ کس از طریق درست و قانونی نمی‌گذرد (و این مسئله از دوسال پیش خیلی شدیدتر و عمومی‌تر شده). همه در کار دزدی و قاچاق و سوءاستفاده‌اند. یکی نوار ویدئو کرایه می‌دهد، یکی تریاک می‌فروشد، یکی آجر و سرامیک احتکار می‌کند، یکی عرق می‌گیرد و خلاصه دامن همه کس آلوده است. مثلاً بول یکدیگر را خوردن کار بسیار عادی و معمولی شده.

دست کسی هم بجائی بند نیست و عجب اینست که مسئله دیگر قبح چندانی هم ندارد و خیلی زود فراموش می‌شود.

آیا رژیم از این وضع خیر ندارد؟ مسلماً در جریان همه چیز هست اما واقعتاً اینست که تنها ساخت اقتصادی که از دست این دولت برمی‌آید همین وضع فعلی است. بدون شک اگر دولت بخواد هدایا این وضع مقابله کند گور خود را کنده است، یعنی در واقع تنها راه رزق و روزی مردم را بسته است.

تهران - ۲۶ مرداد ماه ۶۵

رادیو ایران ساعت‌های بحث برنامه

برنامه اول
ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ و ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کوتاه ۱۷۵۰ کیلوهرتز و ۳۱۰ متر (فرکانس ۱۵۸۵ تا ۱۵۹۲ کیلوهرتز) و ۴۱ متر (فرکانس ۷۱۷۰ کیلوهرتز).
برنامه دوم
ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج کوتاه ردهای ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۱۴۰۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کوتاه ردهای ۲۱ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلوهرتز) و ۴۱ متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلوهرتز).

حزب سوسیال دمکرات انگلستان

و خلیج فارس

در نشست عمومی حزب سوسیال دمکرات انگلستان، به پیشنهادی ارتکب کنندگان، جنگ جمهوری اسلامی عراقی و لزوم استقرار صلح در منطقه، مطرح گردید.

در پی برگزاری یک جلسه اختتامی با شرکت عدای از نمایندگان حزب سوسیال دمکرات انگلیس و گروهی از اعضای نهضت مقاومت ملی ایران شش‌شنبه انگلستان در روز دوشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۶۵ یکی از نمایندگان این حزب موضوع خاتمه‌بخیدن به جنگ جمهوری اسلامی عراقی را در کنگره عمومی حزب سوسیال دمکرات کد به روز ۱۷ اسفند میر برگزار کرد. مطرح کرد و ضمن اشاره به کشتار جوانان و کودکان در این جنگ بی‌بهره، خواستار عدم تحویل سلاح به طرفین محاصره شد.

اوقات تلخی

جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱
سازمذکرات فراوان بین هیئت‌های فرانسوی و جمهوری اسلامی، سرانجام قرار شد بحای ۱/۵ میلیارد دلار، ۷۵۰ میلیون دلار به جمهوری اسلامی پرداخت شود. اما هنگامی که قرار شد فرانسه اولین قسط ۳۵۰ میلیون دلاری را به جمهوری اسلامی بپردازد، اولین مشکل بروز کرد. فرانسه در مقابل خواستار آزادی همزمان تمامی گروهان‌های فرانسوی در لبنان بود. این شرط مورد پسند جمهوری اسلامی قرار نگرفت به ویژه که در آخرین لحظه یکی از قول‌های دولت فرانسه انجام نشد و آن فروش جنگ افزار به جمهوری اسلامی بود. سخنان شدیدها شمی رفتناتی در اوا حرنیرماه که فرانسه را متهم به تزویر و دورویی کرد دیگر تردیدی در اوقات تلخی جمهوری اسلامی باقی نگذاشت.

لیبراسیون می‌نویسد:
جمهوری اسلامی دلیل دیگری هم برای نارفتای از فرانسه دارد. رژیم تهران که پس از ۶ سال جنگ از نفس افتاده و با بی‌بولی شدیدی دست به گریبان است مایل است جنگ با عراق را هر چه زودتر االبته با همان شرط قبلی یعنی سقوط رژیم عراق به نفع خود خاتمه دهد. جمهوری اسلامی با حمله به نیروهای حافظ صلح فرانسوی در لبنان سعی دارد به فرانسه فشار وارد کند که دست از حمایت خود از عراق بردارد. با زکدن جبهه دومی در لبنان، برای جمهوری اسلامی نفع دیگری نیز در بر دارد. بهانه مبارزه با "صهیونیسم" در جنوب لبنان برای رژیم تهران این امکان را فراهم می‌سازد که چنانچه در حمله، سرنوشته‌های علیه عراق بجائی نرسید، جبهه جنگ علیه صهیونیسم و فرانسه را در لبنان بهانه کند و جنگ را بدون آبروریزی زیاد در مرزها پیش با عراق را کد سازد.
لیبراسیون - ۲۵ سبتمبر
(به خبر دیگری در این باره در صفحه ۱۱ توجه فرمائید.)

نفی حکمت مکن

از بهر دل عامی چند

بقیه از صفحه ۷

نا درست نیست ، لیکن نتیجه گیری کلی او غالباً "لنگان است . علت های دیگری آن است که قضاوت ها اکثر از روی مصالح آنی و شخصی شکل می گیرد ، و این نسیز ناشی از همان وضع اجتماعی بی ضابطه است که هرکسی را وادار می سازد تا همه حواسش معطوف به حفظ موقع شخصیش باشد ، یعنی در واقع کارگاه مغزیش برگرد زره دفاعی بکار افتد که او برای حراست از خود بپوشیده است .

منشعب می شد) در دوران اخیر ، بخصوص این سی چهل ساله ، بدترین رفتار را با مردم داشتند . آن ها را بسطه تمام معنی " عوام کالاشام " انگاشتند ، که حقیقی اضا فتراز حق " چریدن " و " بارکشیدن " ندارند .

عیب ها بی که آقای جمال زاده برای جامعه ایرانی بر شمرده و از اینجا و آنجا شاخه ها بی برای جمع کرده اند ، تمام و کمال شامل این طبقه می شود . البته در مورد آن ها هم ضعف و شدت هست و عده ای از روشنفکران آبرومند و خوب رانمی توان استثنای نکرد ، ولی با چند گل بهار نمی شود . این لکه سنگ بردمان " روشنفکر - مآبان " ایران افتاد که عده ای از آنان به صفت " افتخار آمیز " وطن در جمدان " موصوف شونند ، و اینان ، وعده ای از قماش اینان تنها بی از طرد از وطن متوجه شدند که کشوری به نام " ایران " می توانسته است بر روی نقشه جغرافیا وجود داشته باشد ، و آنگاه به توجیه سرایی پرداختند ، که این عبارت شکسیر چه خوب مصداق حالشان می شود ، آنجا که تالو بسطه دزد مونا گفت : " تورا گشتم تا بسین دوست بدارم . "

نکته دیگری که نمی توان ناکفته ز سرش گذشت آن است که اگر ایرانی بدست ، مگر ملت های دیگر فرشته اند ؟ آیا واقعا " خالی از عیب است ؟ البته نمی توان بسا روی حق گذاشت و همه خلائق را به یک چوب راند ، ولی این را هم باید گفت که نوع تقلب ها تفاوت می کند و ما با بعضی نوع ها بیشتر عادت داریم ، مثلاً نسبت به آنچه مربوط به تمدن مغرب زمین است خوشبینی بیشتر بخرج داده می شود ، و در مقابل ، نفی هر چه در شرق می گذرد ، جزو تمدن مآبی شده است . به این حساب ، دزدی ها و تقلب های بزرگ از جلو چشم ردمی شوند ، و دزدی های کوچک و مملوس ، مهر حکومت می خورند .

این همه سلاحه که در کشورهای صنعتی ساخته می شود و بر سر مردم فقیر ، غالباً " به دست خود آن ها ریخته می شود چه طور ؟ پولهایی که از دنیای سوم می آید و در بانک های سوئیس و نظائرشان می خوابد ، آیا غارت نیست ؟ و بیست و دلاری های خلیج فارس که در اروپا و آمریکا ذخیره می گردد ، از راه محترمانه بدست آمده است ؟ و آیا این کشورها و بانک ها ، شریک جرم نیستند ؟ و آیا این خود یکی از نتایج فقر سیاه در آفریقا و بنگلادش شناخته نمی شود ؟

از این ها گذشته ، مگر کا گسترود ز در کشورهای بی که متفدن خوانده می شوند کم است ؟ تقلب غذا بی ، داروئی ، آلودگی محیط زیست ، آیا این ها جزو اخلاقیات اند ، به جهت آن که در سطح بالا حرکت می کنند ، و تقلب یک مسافر خانه دار ، یا بیان چراغ گاز جزو رذائل ؟

یک مثال کوچک بیا وریم که مبتلابه آقای جمال زاده نبوده است ، ولی خوب است بشنوند ، و آن ماجرای گرفتار و بیزار از کشورهای غربی در ایران است . آری از صف های یک شبانه روزی در زیر باران و آفتاب خیس در آید ؟ و آن که چه رفتاری می شود ؟ نزدیک به حیوان . آیا شنیده اند که در جلوی یکی از کنسولگری ها سه به جان

مردمانداخته اند ؟ و این همان کشورها بی هستند که چند سال پیش با منسبت مسافر ایرانی را می پذیرفتند ، فقط به علت آن که می توانست از زرافران با خود داشته باشد ، ولی اکنون کیسه اش چنان که با بد پرنیست و گنا هاش این است . هر علت دیگری ذکر شود ، بیانه است . دنیا را صرفاً از دیدگاه پول دیدن ، بی توجه به آن که این پول از چه ممری کسب شده است ، یکی از بارزترین نشانه های بی اخلاقی است .

عجیب این است که آقای جمال زاده حتی منظره های ایران را هم مشمول بی لطفی قرار داده بودند ، انسان ها بی نبودند که کوه و دشت بی گناه را هم بی نصب نگذاشته اند . عبارتی که راجع به شیراز نوشته بودند ، حکایت از دل پردردی داشت . * این ، از همه عجیب ترست ، زیرا هر چه را در مورد ایران بشود نگار کرد زیبا بی کسوه و دشت و آفتاب و پاک آسمان نادیدنی نیست ، بخصوص که هر یک از آن ها با آن همه تاریخ آمیخته است . بسک منظره به تنهایی ، هر چند بسبب زخم با شد چشم انداز بی جانی است ، زمانی جانی می گیرد که خاطره انگیز بشود . تنها در این گوشه از خاک است که ما می توانیم ولوله های خاموش تاریخ خود را بشنویم ، آن گونه که ابی سعید ابی الخیر گفت :

سر تا سردشت خاوران سنگی نیست
کز خون دل و دیده بر آن رنگی نیست
در هیچ مقام و هیچ فرسنگی نیست
کز دست غمت نشسته دلتنگی نیست
ولی البته این نیز دیده خاص می خواهد :

گفت لیلی را خلیفه کاین تویی
کز نوشد مجنون پیرشان و غموی
از دگر خوبان تو افزون نیستی
گفت : خامش ، چون تو مجنون نیستی
برسیم به آخر کلام ، آیا ایرانی با این خصوصیات اصلاح شدنی هست ؟ ملتی که در طی تاریخ آن همه قابلیت از خود نشان داده و مقامت ورزیده ، و از ملت های هم عمر او تنها یکی دوتا باقی مانده اند که مانند اودامه تاریخی خود را حفظ کرده اند ، چرا او را در کاخ خود درمانده شناسیم ؟ ایران از نقص سازمان رنج برده است ، و از انسان کارآمد و دولسوزا داره گذشته . مردم همه منسوع آما دگی دارند ، دنبال قالب گذشته ای می گردند که در آن ریخته شوند ، و از نوکار آبدگردند :

تشنه می گوید که کو آب گسوار
آب هم گوید که کو آن آب خوار
به رخم بدبینی ها ، من آینه ایران را درخشسان می بینم ، به شرط آن که دنیا بتواند این سیری را که روبه کینه ورزی و انهدام و انحطاط دارد ، متوقف کند ، و گرنه اگر او روبه چنین نشیبی داشته باشد ، از ایران به تنهایی چه توقع ؟

* ظاهراً اشاره است به آنچه آقای جمال زاده در باره رودرکن آباد شیراز نوشته اند ، ایران نامه ، سال ۲ ، شماره ۲

بقیه از صفحه ۹

ماندن توده مردم در جهل بود بر طرف کنند و دست سیاسیون خود فروشی را که مصدق همیشه از آن ها نفرت داشت کوتاه کنند . آن ها نظریات عقلایی و تجدد خواهانه خود را هم در روزنامه ها و مجلات مردم پسندیان می کردند و هم در تئاتر تری که در تهران دایر کرده بودند و ارزش فوق العاده نمایش های آن مشهور شده بود ، روی صحنه می آوردند . نخست وزیر به این ها نزدیک تر شد و مطمئن بود که این نظرات قابل ستایش فرهنگی که " جبهه شوروی " تشکیل نمی دهد . وی در کمال سادگی از این خطر غافل بود که همین نظرات همه دشمنان روسیه را علیه او متحد خواهد کرد .

و در همین موضوع دیگری را بعنوان نمونه های از اقدامات دکترومدق که به نفع نقشه کودتا تمام شد ذکر می کند و آن واقعه روز ۹ اسفند ۱۳۲۱ است که شاه قصد عزیمت به خارج داشت . ولی در نتیجه نظراتی که به پشتیبانی از او صورت گرفت از این قصد منصرف شد . و در همین روز در میان شاه و شاهزاده های ایران فکری کودتا می گوید : تصمیم شاه نتیجه عملیات مصدق بود و اگر او ایران را ترک کرده بود این کار منجر به استعفا او و تسلطت می شد .

در کتاب روزولت نیز شرحی در باره تاثیر روش دکترومدق در توطئه انگلیسی و امریکایی علیه او گفته شده است روزولت چنین می گوید : (۹) تبلیغات ما علیه او خیلی خفیف بود . اگر ما خواسته بودیم روزنامه ها یا افراد یا سازمان ها را وادار کنیم به اینکه آشکارا علیه او موضع بگیرند و اگر آن ها از روی حماقت چنین رفتاری کردند بی درنگ دستشان از کار قطع می شد . اما اگر ما نمی خواستیم تهور زیادی بخرج دهیم ولی هم خود هم بوسیله همکاران ایرانی خود می توانستیم مطالبی علیه مصدق عنوان کنیم از قبیل اینکه او از بلوک غرب جدا شده و به تدریج به بلوک شوروی پیوسته است . همچنین اینکه اگر او به روش شخصی کنونی خود ادامه دهد دیگر نقش سلطنت در ایران معنی نخواهد داشت .

۱ - end of Empire P.217 - 218
۲ - همان ماء خذ
۳ - Cotton : P. 217
۴ - Harry Rubin : Paved with good intentions.
The American Experience and Iran
۵ - Woodhouse : 125
۶ - Countercoup 120 - 124
۷ - Woodhouse P. 118
۸ - End of Empire 219
۹ - Contre coup 125

انتظار بزرگ

بقیه از صفحه ۴

گرما گرم یک جدال در مجلس ملی فرانسه با زداشت کردند و به پای گیوتین بر بردند ، حال آنکه خمینی برای آنکه از چنین عاقبتی بگریزد ، خسود را مدت ها ست در قلعه جماران زندانی کرده است . با این همه تاریخ در برابر بندگان ها و حصارهای قلعه جماران که سهل است ، در برابر دیوار چین نیز ز حرکت باز نمی ایستد . خمینی اگر در قلعه های بسیار محکم تراز این ، و حصارهای بسیار بلندتر از این ، پناه بگیرد ، باز هم نمی تواند از سر نوشت حتمی خویش فرار کند . خمینی بدون رادیو - تلویزیون ، بدون روزنامه ها ، بدون محافظان مسلح ، بدون رئیس دولت ، بدون رئیس مجلس و بدون رئیس جمهوری خود که دیگر خمینی نیست ، خمینی که سهل است ، بزرگترین دیکتاتورهای تاریخ ، هنگامی که وسائل حکومت کردن را از دست بدهند ، از بی دفاع ترین آدم های روی زمین بی دفاع ترند . هیتلر که در اوج قدرت میلیون ها انسان را در اروپا و بیرون از اروپا به کام مرگ فرستاد ، هنگامی که در پناهگاه زیر

همینان بر سر
فروردین بلغم حوری سبب مناسبت
ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح
سازار در حران آخرین حرهای
ایران و جهان قرار می دهد
ساره بلغم
۸۵-۸۵-۳۶-۴۳ - فارس

معرفی کتاب

قیامی که مذهبی نبود...

"آیت الله خمینی" نوشته فریبرز ریاحی به زبان آلمانی در فرانکفورت انتشار یافته است. نویسنده در مقدمه این کتاب ۱۷۵ صفحه‌ای، به افکار و نظرات خمینی در باره ایران و "ایرانیت" اشاره می کند و می نویسد: "ایران برای خمینی، فقط قطعه زمینی از سرزمین بزرگ اسلامی است که بر اثر انقلاب او جهانی اسلامی، یا ممالک اسلامی دیگر را هم آزاد کرد. خمینی که به ملیت و پرچم ایران کوچکترین اعتقادی ندارد، فرزند پدر و مادری است که از کشمیر به ایران آمدند. و به همین دلیل، تا سال ۱۹۳۰ وی به اسم سید روح الله موسوی هندی نامیده می شد، و بعد که داشتن شناسنامه اجباری شد، خمینی نام خانوادگی اش را از ادگاش خمین اخذ کرد.

در بخش دیگری از کتاب، نویسنده به سقوط ساسانیان و تسلط اعراب بر ایران و سپس چگونگی ایجاد مذهب شیعه و رسم شدن آن در ایران می پردازد و از اولین موضوع را که چرا روحانیون در غیاب امام دوازدهم، خود را جانشین وی می دانند، مورد بحث قرار می دهد.

وی می نویسد: از بقاء روحانیت شیعه در ایران، تابعیت آنان از مراکز قدرت، و هم‌اکنون با رهبران پاجریان های سیاسی کشور بوده، تا منافع مادی و معنوی خود را حفظ کنند.

در سال ۱۸۹۰، ملایان، همگام با جریان روز، از ناصرالدین شاه فاصله گرفتند و تنبلی کورا تحریم کردند. در انقلاب مشروطیت ایران، وجود شاه با اختیارات کمتر را به نفع خود دانستند و به همین دلیل برخی از آنان با انقلابیون دموکرات، ائتلاف کردند - اما بعداً "با دکتر مصدق، طرفدار دموکراسی و قانون، به مخالفت برخاستند، زیرا مصدق به جدایی دین از سیاست معتقد بود، و در نتیجه در کودتای ۲۸ مرداد با آمریکایی ها و عمل آن ها در سقوط حکومت دمکرات و ملی دکتسری مصدق همکاری کردند

نویسنده سپس چنین نتیجه می گیرد: در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به رغم آنکه اسمی از خمینی برده نمی شود، نمی توان از نقش وی غافل شد، زیرا خمینی از نزدیکان و محرمان آیت الله کاشانی بوده است. بایده یادداشت که پس از کودتای سال ۱۹۲۵ که رضا شاه قصد داشت در ایران، رژیم جمهوری تشکیل دهد، آیت الله حاج ثری، معلم خمینی نیز که اسلام خود را در خطر می دید، رضا شاه را به تشکیل مجدد سلطنت در ایران تشویق کرد.

نویسنده می نویسد: درگیری مستقیم شاه و خمینی دقیقاً "از سال ۱۹۶۰ آغاز

می شود، از هنگامی که شاه به زنان آزادی داد و بر بنا می اصلاحات ارضی را در ایران پیاپی کرده کرد که از قدرت ملایان در جامعه کاست و استفاده ای کلان آن ها را از زمین های کشاورزی کاستی می داد. به عبارت دیگر از هنگامی که شاه دیدگاه فربه تقسیم قدرت با آنان نبود.

به همین دلیل خمینی هنگامی که در تبعید در عراق بود، برای سرنگونی شاه با تیمور بختیار، رئیس سابق ساواک همکاری و از طریق همسر وی، کمک های قابل ملاحظه ای دریافت کرد.

به نوشته نویسنده کتاب، به جز با تیمور بختیار، خمینی با فردوست رئیس بازرسی شاهنشاهی نیز همکاری نزدیک داشته، و دلیل کشته نشدن فردوست و قریه باغی نیز، در حالی که همه امرای ارتش ایران اعدام و تیرباران شدند، در همین همکاری بوده است.

چگونگی قانونی کردن ولایت فقیه و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی - و نیز شجاعت و به حقوق اقلیت های قومی و مذهبی و زنان، و بالاخره شرح روزمره ای حوادث قیام مردم تافتندی خمینی، فصل های دیگر این کتاب را تشکیل می دهد.

به طور کلی کتاب آقای فریبرز ریاحی، که فشرده ای جریانات سیاسی چند دهه ای اخیر را در بر می گیرد، با ارائه ای مدارک به این نتیجه می رسد که قیام سال ۱۹۷۹ ایران، در حقیقت دنباله ای قیام و عدالت خواهی مردم در سال ۱۹۰۶ و ۱۹۵۰ است و نباید یک قیام مذهبی و آخوندی بشمارد.



جنگ در بلوچستان

بقیه از صفحه ۱

در درگیری هفت ساعتی که در همین روز میان عشایر ضد رژیم و موافقان رژیم اسلامی روی داد دهها پاسدار کشته شدند. دوتن از پاسدارانی که در بیمارستان خاتم الانبیا زاهدان بستری شده اند، گفته اند: شهدای ما به جدی بود که حمل جنازه های آن ها دشوار بود.

برپایه این گزارش ها، بعد از ظهر روز ۲۲ شهریور دوفرونده هلی کوپتر جمهوری اسلامی در آسمان منطقه توسط نیروهای عشایری هدف گرفته شد و سرنگون گردید. یک هلی کوپتر دیگر در ۲۳ شهریور در منطقه عبدالقادر سقوط کرد.

این گزارش ها می افزاید: تاکنون شصت تن از افرادی که منطقه در محمل دستگیر و به زاهدان منتقل شده اند و تا

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۲۰ فرانک فرانسه - شش ماهه ۱۱۰ فرانک فرانسه - دانشجویان نصف قیمت

اینجا نام (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین) نام خانوادگی: Nom نام: Prénom آدرس: Adresse:

ما یلیم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به صورت ماهانه به حساب بانکی نشریه فرانک فرانسه به حساب پستی نشریه حواله قبض رسید به ضمیمه ارسال می گردد.

تاریخ امضا شماره حساب پستی: QYAM IRAN C.C.P. No: 2400118/E PARIS

شماره حساب بانکی: QYAM IRAN Crédit du Nord 78 Rue de la Tour 75116 Paris Compte No: 11624700200

توجه لازم

تمنا دارد تقاضای اشتراک را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامه های که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، به دست ما نمی رسد.

بهب گزاری ها

نتایج سیاست فرانسه

رورنای انگلیسی زبان تهران تا به حال تهران در شمار روی ۲۲ سینا مرخود نوشت:

موج انفجارهای تروریستی در فرانسه، نتیجه طبیعی و فاسد بیسیبی سیاست های ماجراجویانه و تنها حمایت دولت فرانسه در نقاط مختلف دنیا و بخصوص در خاورمیانه است.

تهران تا به حال می نویسد: مسائل امروز فرانسه، بدان سیاست کدگفته های با اعمال تطبیق ندارد. گفته های مقامات فرانسوی قابل اعتنا نیست و در آن دورویی به چشم می خورد.

سین تهران تا به حال می نویسد: دولت فرانسه متعدد در دنیا می نویسد: دولت فرانسه از زمان روی کار آمدن سوسیالیست ها، سیاست های بیسیب از پیش تعریفی اتخاذ کرده است. و در مورد خلی کشورها، مثل چاد، لبنان و در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی، دخالت دارد.

تهران تا به حال می نویسد: دولت فرانسه را منبهم می کند که با تجا و زیاده تها می احل های بین المللی، رژیم عراق را با تاء بین سلاح های پیشرفته که علیه سهرای ایران و کشتی های تجاری در خلیج فارس به کار می آورده، خود را حمايت افرو رهن دهده است. تهران تا به حال می نویسد: گفته های اخیر فرانسوا میتران در کوبیت می نویسد: فرانسوی ها تا به حال بت کردند که برای آن ها فروش اسلحه، مهمتر از اجرای عدالت است.

لازم به یادآوری است که هفته ای گذشته، میتران به هنگام گفتگو با امیرکویس، خود را با قطع بلانای صلی جنگ جمهوری اسلامی و عراق موافق نشان داده بود. خبرگزاری فرانسه - ۲۲ ستمبر

آمده نشان می دهد سوداگران اسلحه که از لندن به عنوان پایگاه استفاده می کنند، مستقیماً با عا ملان خرید اسلحه ای جمهوری اسلامی، در پایتخت انگلستان معامله کرده اند.

بر اساس اسناد فاش شده توسط نهضت مقاومت ملی ایران، در آن زمان، سرهنگ راسخ احمدی، سرپرست دفتر خرید اسلحه، در لندن، مذاکرات مربوط به خرید اسلحه را با نمایندگان شرکت آی.ام.اس. و نماینده شرکت حمل و نقل آلپورت (شرکت های وابسته به وزارت دفاع انگلستان) انجام داد و قرار بر این شد که به منظور تاء مین ملاحظات امنیتی، اقلام تسلیحاتی از فرودگاه هینروی هوایی انگلستان در ۷ مایلی غرب لندن با رگیری شود، و هزینه حمل نیز به صورت ارز در لندن پرداخت گردد.

گزارش اخیر خبرنگار ما از لندن نشان می دهد که برنا می خرید اسلحه توسط جمهوری اسلامی از لندن با از طریق لندن، همچنان ادامه دارد.

روز ۲۵ شهریور ۷۸ تن از ما موافقان رژیم در این درگیریها به هلاکت رسیده اند. یک گزارش از زاهدان حاکی است که تمام تلفن های این شهر تحت کنترل شدید قرار گرفته است. نیروهای عشایری بر ارتفاعات مسلط شده اند و پاسداران در موضع آسیب پذیری قرار گرفته اند.

آخرین گزارش حاکی است که در پی وضع بحرانی بلوچستان، در برنا مه پروازهای داخلی تغییراتی بعمل آمده و اکنون هیچ هواپیمایی در فرودگاه زاهدان فرود نمی آید.

مأمور خرید اسلحه ای

جمهوری اسلامی در لندن

بقیه از صفحه ۱ سلاح های ریوده شده از پایگاه های دریایی و کشتی های هواپیمایی آمریکا، از طریق لندن به تهران فرستاده می شود. و اسنادی که به دست

تلوویزیون فرانسه

خمینی متهم شماره یک

در تاریخ ۱۸ سپتامبر کاشال اول تلویزیون فرانسه با دعوت از گروهی از کارشناسان برجسته در امور خاورمیانه، ستی چندا روزنا مهنگران فرانسوی از جمله روزنامه معتبر لو موند، مشاور کانون وکلای فرانسه و نیز رئیس سابق سازمان امنیت فرانسه، چگونگی اوچگیری موج عملیات خونبار تروریستی و جستجو برای ریشه کن ساختن تروریسم در اروپا و جهان را مورد بحث و گفتگو قرار داد.

در این برنامه تلویزیونی، شرکت کنندگان همگی انگشت اتهام را متوجه رژیم جمهوری اسلامی حاکم بر ایران ساختند و اعلام داشتند که در ماجراهای تروریستی اخیر دست حاکمان سر ایران را باید جستجو کرد.

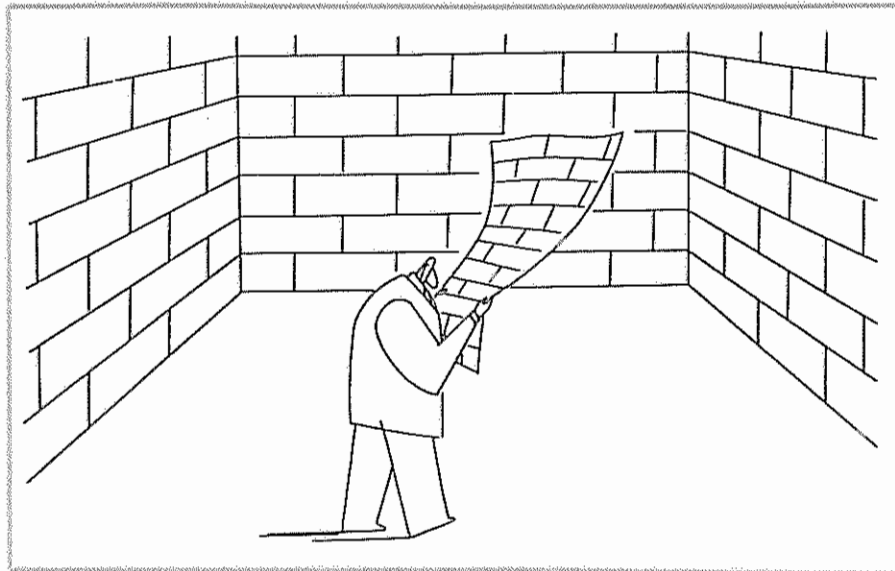
آنگاه یک مفسر سیاسی تلویزیونی فرانسه گفت: در سال ۱۹۷۹ پس از به قدرت رسیدن خمینی در ایران، رژیم نوای انقلابی در ایران به حمایت از تروریست های فلسطینی و لبنانی - سیداخت و کمک های مالی و لجستیکی نمایان توجهی در اختیار آن قرار داد. سازمان، با تشکیل اتحادیه میان رژیم های جمهوری اسلامی - لیبی و سوریه مثلت تروریسم در جهان با به میدان گذاشتن و یا به تاخت های این سه رژیم تبدیل به مدارس تعلیم تروریست گردید و صدها تروریست حرفه ای از خاورمیانه نیز در تهران تعلیمات تروریستی و خرابکارانه را فرا گرفته و جهت انجام مأموریت های آدمکشانه خود اعلام آمادگی کردند.

یک کارشناس امور خاورمیانه که سالهاست در لبنان بصری برد در دنیا لکه سخنان معتبر تلویزیون فرانسه گفت: آیت الله خمینی جندی سازمان استقرار رژیم با هیچیز و تعلیم گروهی تروریست فلسطینی و لبنانی در صدد ترورنا سوریه خرابکارانه را به مقاصد ملی ایران برآمد که در این امر با ناکامی روبرو شد و در این عملیات خونین، یک پلیس و یک زن خانه دار کشته شدند. و یک مأمور پلیس فرانسوی تا ابد زمین گیر گردید و بدنیا ل آن انیس نقاش رئیس گروه کماندوئی تروریست ها توسط پلیس امنیتی فرانسه دستگیر و از محاکمه به زندان ابد محکوم شد.

اندکی بعد، رژیم انقلابی خمینی در صدد فراهم آوردن آزادی انیس نقاش برآمد و با به گروگان گرفتن چندتن از روزنامه نگاران و دبیرانهای فرانسوی در بیروت طرح باج گیری و معاوضه گروگان ها در لبنان را با انیس نقاش به دولت سوئیس لیست فرانسه پیشنهاد کرد. در آن زمان فرانسوا میتران رئیس جمهوری فرانسه تصمیم گرفت که برای نجات اتباع فرانسوی با آدم ربایان وارد مذاکره شود ولی تا امروز هنوز هیچگونه نشانه ای دال بر

جنگلی ها

بقیه از صفحه ۱



جانش باشد و زندگی بهتری به او بدهد موجب مرگش خواهد شد.

"حسنین هیکل" روزنامه نگار معروف مصری، حدود هفت سال پیش، در همان اوایل تاسیس رژیم جدید به ایران آمد و با آیت الله خمینی دیدار کرد و چون نامه تیز روزنامه نگاری داشت و قلمی زو برسدند حده دیدی، پاسخ داد: "خمینی تیری است که از دنیا می رود سلام به قرن بیستم شلیک شده است."

مقتول هیکل این بود که خمینی سال این دوره نسبت افکار و عقایدی دارد که به درد قرن اول هجری می خورد و حال آنکه امروز قرن با نهم هجری است و دنیا، مخصوصاً "در همین یک قرن اخیر، بکلی دنیا دیگری شده است. هیکل از ایران و همکاران نزدیک جمال عبدالناصر و بطور کلی معتقد به آرمان های روشنفکرانه جهان سومی است، به همین سبب هم با انور السادات آتش به یک جوی نرفت و در زمان سادات به زندان افتاد. با این حال هنگامی که سادات به دست بنیادگرایان مذهبی کشته شد هیکل سخت به وحشت افتاد میباید مصر هم دچار سرنوشتی مشابه سرنوشت ایران شود و کسانی در مصر به قدرت برسند که مانند سادات ایران کنونی ایران از خواب گران چندقرنی بر برداشته باشند.

پیش از حادثه ایران حتی در تصورات نویسندگان داستان های خیالی و رمانان و فالگیران نمی گنجید که ممکن جدید فرانسه صورت گرفته و همچنان ادا مدها را، و نیز خاطر شکست بخشی از این مذاکرات میان دویا به نخست سردمداران رژیم اسلامی در صدد برآمدند که از دولت فرانسه انتقام بگیرند که در واقع عملیات تروریستی اخیر، بمب گذاری ها و آدم ربائی ها در لبنان

مدیران مرکز بهداشتی که این طفل جنگلی اکنون در آنجا به سر می برد گفته اند بیش از سن چند کودک دیگر که در جنگل های اوگاندا پیدا شده بودند به این مرکز انتقال یافته اند ولی همه آن ها پس از مدتی مرده اند چون نتوانسته اند خودشان را با محیط جدید تطبیق بدهند.

شرط زنده ماندن انطباق با محیط است. آدمیزاد که جای خود دارد، قیصل و کرگدن هم اگر خاصیت انطباق با محیط را نداشته باشند از بین می روند همچنان که ما موت ها و دایناسورها با هم می هیبتان به همین کیفیت از میان رفتند.

و با زنده همین دلیل طبیعی و علمی است که - صرف نظر از دلایل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی - ما رژیم موجودا ایران را قابل دوام نمی دانیم. رژیم کسه آیت الله خمینی تا سیس کرده یک رژیم جنگلی است. یک چیزی است شبیه آن طفل جنگلی که گرچه از نسل انسان است و ظاهر انسانی دارد ولی در دوره ای که میبایستی آداب زندگی انسانی را فرا بگیرد از محیط دور افتاده و با خلق و خوی موجودات جنگل بسیار آمده است. این را با بیدرها کنند در همان جنگل تا بتوانند در محیط ماء لوف زندگی کنند و زنده بمانند و الا غذایی که به او می خوراند و لباسی که به او می پوشانند و زحمتی که می کشند تا او را با هموعان متحدش مربوط کنند عوض اینکه قوت آزادی احتمالی این گروگان ها که در واقع در جنگ رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند دردست نیست.

در این میان یکی دیگر از روزنامه نگاران فرانسوی گفت که در کنار رهه تلاش های دیپلماتیک جهت عادی سازی روابط با رژیم حاکم بر ایران که از سوی دولت

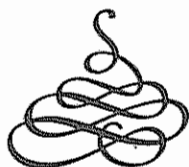
است از شکم یک انقلاب، درین سالهای ربع آخر قرن بیستم، یک رژیم جنگلی بیرون بیاید. اما همچوا تفاقا افتاد معلوم شد درین دنیا هر چیزی شدنی است و به قول ناپلئون غیر ممکن، غیر ممکن است. با این حال، اکنون کسه چنین تفاقا افتاده و متاء سفاکسه تجربه بسیار سخت و توار فرسای را بر ملت و کشور ما تحمیل کرده است یک چیز را می توانیم با اطمینان خاطر بگوئیم که این پدیده نحس در همین ایران دهن می شود و نا بت خوا هشد که قانسون طبیعت وقانون علم، اگر استثنائاتی را برای مدت کوتاهی تحمل کند، مسلماً "فرصت ادا مهیات به آن ها نخواهد داد. مسئولان مرکز بهداشتی که طفل جنگلی را تحت نظر دارند می گویند این یکی نسبت به طفلانی که قبلاً داشته ایم مقاومت بیشتری نشان می دهد و بیشتر دوام کرده است ولی در حال اگر نتواند خود را با محیط تطبیق دهد این هم ما ندنی نخواهد بود.

رژیم آیت الله به این دلیل رفتنی است - یعنی محکوم به رفتن است - که قدرت انطباق با محیط را ندارد. در طول هفت سال نه مجموعه این رژیم توانسته است خود را با دنیای عصر حاضر تطبیق دهد و نه شک رهبران رژیم از خود استعداد دوار شدن در فضای زندگی قرن بیستم نشان داده اند.

رژیمی که بریت کشور پهناور با چهل میلیون جمعیت و درآ مدرسا رفتنی و موقع حساس جغرافیایی حکومت می کند در طول هفت سال با هیچ کشوری نتوانسته است رابطه معقول برقرار کند. در تمام دنیا فقط دو متحد دارد یکی سوریه کسه او را با زی می دهد و استفاده می ببرد، و یکی دیگر لیبی که بدنبه خودش یک رژیم جنگلی به شمار می آید.

الجنس مع الجنس بمیلوا. قذافی با همه دیوانگی با زلاقل نمایش ها پیش سرگرم کننده است. شخصیت های جمهوری اسلامی این استعداد را هم ندارند و هر جا ظاهر میشوند فقط خجالت به بار می آورند. نه غذا خوردنشان به آدمیزاد می ماند، نه حرف زدنتان، نه حرکات و سکناتشان، نه نشست و برخاستان. مثل این که سندسیرده اند به همه نشان دهند که آن ها مال این دنیا و اهل این زمانه نیستند و به جای اینکه خودشان را با دنیای حاضر تطبیق دهند قصد دارند دنیا را به عصر بربریت با زگردانند.

رانیز باید کوشه ای از این عملیات انتقام جویانه از سوی تهران توصیف کرد.



نشانی:

QYAM IRAN
C/O C. B.
17, bd RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE



ایران هرگز نخواهد مرد